



فروزهای افتر فاسی و نالیسم به کجا ختم می شود؟

زیر خارجه چین به دنبال لشکرکشی فرانسه و بلژیک و مراکش و کمپهای نظامی و غیر نظامی آمریکا به مونتو و یکتاتر، فاسد زبیر برای ابراز بیستبانی از مونتو و ارد کینشازا پایتخت زبیر می نمود با در دنیا کسی نیست که مونتو قاتل باتریس لومبوسا قهرمان استقلال ملی کنونی بلژیک بسا

زبیر او زرا نشناسد مونتو همساز از راه آزادی زبیر را سرکوب کرد و یاد زندانها گشت و یا آنها را تبعید و زندانی کرد او کشور ترورقت زبیر را با ممان نراوان چنان برای بقای خود به دست فرانسه و بلژیک و شرکتهای بزرگ غرب نفارت کرد که حتی امروز به خاطر فساد قدرت دفاع از خود را نیز در برابر حملات قبایل شایا ندارد و ناچار استعمار یون اروپائسی برای دفاع از منافع خود و حمایت از مونتو به طور مستقیم دست به دخالت نظامی می زند او دارای مبلزنها دلار ثروت

بقیه در صفحه ۲

آینده چه کسی را استعمار میکنند؟

تعمیراتی که اکنون حکومت ایران در زمینه آزادی به صحنه آورد ماست باید دقیقاً مورد توجه مردم قرار گیرد زیرا حکومت قصد دارد در برابر مشکلات عظیم خود از طرح مسئله آزادی وسیله ای برای ادامه فساد به وجود آورد مسئله آزادی برای حکومت استبدادی بیگانه آیدول مسکن است که از طریق آن می خواهد حساسیت شدید مردم را در برابر مسئله فساد که سرایای حکومت و سازمانهای اداری آن را فرا گرفته است از بین ببرد و همچنین از مسئله آزادی وسیله ای برای فریب افکار عمومی جهان به وجود آورد حکومت حریف از آزادی می زند در حالی که تا امروز حتی یک قدم در راه این آزادی برنداشته است هم اکنون که شیلی و فیلیپین و اندونزی زندانهای خود را از هزاران بیگانه زندانی خالی می کنند حکومت ایران هزاران زندانی بیگانه را همچنان در زندان نگاه داشته است و هیچ نشانه ای از آزادی این بیگانهان مظلوم وجود ندارد سهل است که در ماه های اخیر صدها نفر را بدون کوچکترین دلیل قانونی بازداشت و زندانی کرده است

وقتی حکومتی که علت وجودش بر خفه کردن آزادی قرار دارد حرفه از آزادی می زند و زبیر است که بدون اعمال فشار از طرف مردم و بدون دگرگونی اساسی در نظام استبدادی هرگز به مردم آزادی نمی دهد اما اکنون آزادی برای حکومت وسیله تشدید اختناق و سرکوبی مردم و همچنین فریب محافل اجتماعی بین المللی شده است زیرا رژیم ایران آزادی را بهر حفظ فساد در تمام سطوح آن قرار داده است حکومت در حالی حرف از آزادی می زند که هر اجتماع آرامی را در ایران با گلوله و کشتار سرکوب می کند اکنون کشتن مردم در دانشگاه و مسجد و کورچه و خیابان و حتی در منازل روحانیون برای حکومت امری عادی شده است کتک زدن مردم در دانشگاهها و مساجد و خیابانها تا حد بییهوشی و سرکوب

بقیه در صفحه ۶

تعطیل ۲۷ خرداد و یادبود دکتر شریعتی

روز شنبه ۲۷ خرداد ماه به پیروی از نیت مراجع، سلام تقلید بازار تهران و بازارهای شهر آذربایجان از شمال شهر که نمایند و واقعی تهران نیست بازارها و مغازه های شهرهای ایران تعطیل بوند مردم دست از کار کشید و بودند و برای بهانه ندانن به دست مأموران حکومت در خانه ها نشسته بودند

روزهای جمعه و یکشنبه و دوشنبه به تقاب در شهرستانهای مختلف مجالس یاد بود و مانگشت ترک روانشاد دکتر علی شریعتی باشکوه تمام برگزار شد در غالب شهرستانها کارهای حمله حکومت و چنانچه آنان انتقامجویانه به جان مردم اتلندند در تهران هزاران نفر از مردم خط تحاضره پلیس و کاردها و سرسازان مسلسل به دست و اماند محمد راشک مستند و خود را به مسجد ارگ رسانند از میان گزارشها گزارش مشهد را که زادگاه دکتر شریعتی است به نظر شما من رسانیم

دوره شهید روز بانه هم خرداد سراسر مغازه ها و بازارهای مشهد یک سره تعطیل می شود پلیس و سازمان امنیت شهر به دست و ولیان استنادار که خود کارمند قدیمی سازمان امنیت است به تلاش و انتقام جویی می افتند

بقیه در صفحه ۵

در جستجوی حقیقت

میعانه استعماری و اقتصادی بود فرصتی برای دفاع و حفظ مایه های اصل فرهنگ یومی و قومی باقی نگذاشت و بیدینگونه سلطه های بیابانی فرهنگمهاجم اسلام را در درون بافت اعتقادی مردم از مذ هب اغراض و مقاومت به مذ هب التماس و تسلیم تبدیل کرد

بقیه در صفحه ۲

مردم ایران در روز پیرو شدن باینز کتر مسائل اجتماعی اکنون در وضعیت تقریباً مراضع فرهنگی قرار دارند خط میمیران محطاً قدرتی اجتماعی در برخورد با فرهنگ سک غریبی که با مطامع استعماری روز افزون آمیخته بود مردم ایران را از باز سازی یک فرهنگ پرتکاپو عاجز کرد

Le Monde par CLAUDE BOURDET

غرب وحشی!

این تفسیر در روزنامه لوموند با عنوان "رنبای مترنج" چاپ شده است و نشان دهنده نظر روشنفکران پیشرو اروپا نسبت به طرز برخورد کشورهای پیشرفته صنعتی با کشورهای عقبگرد چینی است

ساز ترجمه این مقاله در روزنامه ها خوانندیم که آقای کلی "زبیر سابق سیا" اقرار کرده بود که او و کمیته جری برای پیشبرد میل شخصی خود در مخالفت و سرکوبی قیامهای مردم افریقا و مخصوصاً آنکولامبه ککوه و ملت آمریکا دروغ گفته اند که در تالیید نظر ننهند همین مقاله بود

و کتابکم نظیر در جستجوی دشمن - داستانی از سیا را که تازه رانجامشتر شده است خوانده اند نویسنده کتاب آقای جان استاک ول رئیس گروهی از مأموران سیا بود که در سالهای ۶۱-۶۲ در آنکولامد اخله کردند این کتاب نشان می دهد که مد اخله غرب در افریقا بیشتر از مد اخله بلوک شرق بوده و در ان از عقب ماندترین و غیر انسانی ترین وسایل استفاده شده است بدست مثل از مایش

افریقای جنوبی در سال ۱۹۶۶ سیا به واژگون شدن توام نکروه کمک کرد و در سال ۱۹۶۰ مقد مات قتل لومبوسا را تدارک دید اگر

بقیه در صفحه ۴

در ایالات متحده کسانی که بنواهند از اوضاع بلخیر باشند بهتر از ما می دانند که در افریقا چه می گذرد زیرا شرح تحقیقات کمیسیون "چرچ" درباره "سیا"

هویت ملی و اقتصادی ایران در عصر پهلوی

ایالت شایا یا کاتانکای سابق نیست. زیرا این احقاق حقوق و انجام برنامه‌های عمرانی و اصلاحی، قسمت دزدی و غارترا از مروت و شرفای فرانسوی و بلژیک او می‌گیرد. و اکنون وزیر خارجه چین به زیر می‌رود تا حمایت کشور انقلاب یعنی چین را به من و تو عرضه کند!

وچنین بعد از سقوط آئند و حکومت غیر قانونی دیکتاتورهای نظامی شیلسی هرگز رابطه خود را با حکومت پیشو شده که هزاران جوان را کشت و شکنجه کرد و به زندان انداخت قطع نکرد، همچنانکه با رژیم استبدادی آرزانتین روابط خود را قطع نکرد. چرا؟ به خاطر رقابت و دشمنی با شوروی. چین برای ایران دشمنی بسا شوروی همه دیکتاتورهای جهان و همه سیاستهای درگیری آمریکا و غرب را بسا شوروی مورد حمایت قرار می‌دهد.

مفسر خبرگزاری فرانسه زیر عنوان «وزش سیاست در آرزانتین می‌نویسد:»
 «به عقیده ناظران سیاستی در

در جستجوی هویت ملی و اقتصادی ایران

فرهنگی است که هیچگونه خلافت و قدرت معارضه چون ندارد. زیرا فرهنگ مسلمانان اطاعت و تسلیم است نه فرهنگ مسلمانان جدل و مقابله و ستیز. فرهنگ ما روستای نظامی است که پایه‌های آن بر استبداد قرار دارد که از اساس دشمن آشتی ناپذیر بحث و جدل است. شاکر حق سوال از معلم ندارد. رعیت حق اعتراض به ارباب ندارد. کارگر حق درخواست از کارفرما ندارد. کارمند حق توبیخ از رئیس ندارد. و رئیس جز اینکه در حاشیه نامه‌ها بنویسد «به عرض برسد» و یا به غرض رسیدن نمودند این طوری عمل شود و وظیفه‌ای ندارد. وکیل حق سوال و پرسش ندارد و وزیر جز اجرای او امران کسی که وجود و عدم مقام سیاسی اولیه به اراده اوست نفسی ندارد. و قاضی جز قانونی که رویه روی اوست به دستور وزیر و مقامات ماسو خود خود نیز چشم دوخته است و قانون خود حاقق اراده نظام استبدادی و حافظ ضافع گروه حاکمه است. بنابراین در چنین نظمی قانون اساسی کشتن مایه‌های معارضه جوش و مقابله در طبیعت انسانها است. این قانون اساسی از خانواده تا مدرسه و تا اجتماع حکومت مطلقه دارد. در این نظام همانگونه که راه ستیز با طبیعت از راه علم و تحقیق بسته است. را مقابله با سلطه انسانها بر یکدیگر از راه زور و با قانون نیز مسدود است. در این نظام ریشه‌های واقعی مسائل و حوادث مرکز در دروس تاریخ مدارس دانشگاهها گنجانده نمی‌شود. قوانین اجتماعی و اقتصادی و ضوابط سیاسی ناشی از قدرت حکومت هرگز در مراکز تحقیق دانشگاهی در کلاسها، در مورد بحث انتقادی قرار نمی‌گیرد. روحیه تحقیق و تجسس نباید وجود داشته باشد. همه چیز باید در جهت نظام استبدادی توجیه شود و برای همه اعمال حکومت بایسته توجیه علمی درست شود. حکومت بمثابة پت می‌شود و الملل و مردم به صورت کودکانی نابالغند و صلحت مردم باید به دست حکومت تنظیم شود. خورخواب و تفکر و اندیشه و کار و فعالیت مردم باید در چاقوب صلحت دولت و راهنمایی‌های

به وجود آمده است. امرنا برای واداشتن دولت آرزانتین به احترام گذاشتن به حقوق بشر در آن کشور فرور اسلامه را بسسه آرزانتین مترقی‌تر خواهد کرد و در وقت‌های اروپائی به خصوص بازار مشترک اروپا بسا به خاطر ملاحظاتی سیاسی و اخلاقی از گسترش اقتصادی بیشتر با آرزانتین نبودن داری می‌روزند...»

آنجائی که حتی جلاد هم به گریه و می‌افتد رژیم انقلاب چین برای تسلی و قربانی و حمایت از او زارد کرد می‌شود گواهی صلاحیت سیاسی از طرف رژیم ای سوسیالیستی بیروتین فرستد دیکتاتورهای مستبد و خون آشام است. چین در سیاست خارجی خود اکنون به صورت کنیفترین شیوه‌های اخلاقی با حمایت از رژیم‌های فاسد این گواهی را صادر می‌کند. و در عوض از زبایای اقتصادی و بازرگانی که اینس رژیمها تقدیم می‌کنند بهره‌مند می‌شود. یعنی شرکت در غارت مردم بینرهای کشورهای عقب‌مانده به نفع طبقاتی‌های انقلابی! آیا در زمان انترناسیونالیم به گونه قرار و مدارهای ضد اخلاقی و ضد انسانی ختم می‌شود!

وامروز در تمام طولانی این سلطه مردم ایران به صورت صرف کننده ساده و معناد فرهنگهای مهاجم ضارم گوناگون سیاسی و اجتماعی اقتصاد می‌درآمد مانند اصل تجسس و تحقیق که شرط خلافت فرهنگی و تمدن است جای خود را به تقلید و تکرار کورکورانه محصولات فرهنگی مهاجم داده است. در پیچیده میسرانی فرهنگ ما دیگر مایه بر فرهنگ و تلافی و معارضه چون ندارد. اکنون ما می‌بینیم که مملویم از این کالاها و این کالاهای خارجی در بازار ما از کشتی‌ها تخلیه می‌شود. و اولیه و کسار ما این شده است که بسته‌ها را باز کنیم و کالاها را به بازار صرف بفرستیم. و بدینگونه فرهنگ مهاجم شیوه زندگی و کار برد کالاها و کیفیت استفاده از آنها را برای ما تعیین می‌کند. تمدن مهاجم به همانگونه که کالاها می‌ساخت خود را در بازار فرهنگ بسوزنی آن در بازارهای ما به فروش می‌رساند. نمونه تکرار و تکرارهای تلقی خود را از زندگی و روابط اجتماعی آن را نیز از طریق آموزش و وسایل ارتباط جمعی و کتاب و نشریات و ویدئو و دیگر ارتباط و مبادله مایه زمینه تفکر و اندیشه ما تزئین می‌کند. این تزئین در واقع یک مایه محروک نیست بلکه یک ماده خدر و مسکن است. زیرا فرهنگ تمدن مهاجم برای معارضه جوش با فرهنگ مهاجم را ندارد. در فرهنگ ما مایه تمخیر بازاریابی و دفع وجود ندارد. فرهنگ ما قادر به پذیرفتن مایه‌های تفریق و سازنده فرهنگ مهاجم در دفع عوامل فساد و خراب آن نیست. در چنین بستری از فرهنگ کسب بر بایسته نظمی فاسد و مستبد و پارانکسی شرایط انسانی قرار دارد. معارضه جوش و رویا روش وجود ندارد. از نظام آموزشی ما مایه جدل و مکالمه و ستیز رخت بر بسته است. همه چیز ما در تسلط هم امر یعنی قدرت استبدادی شکل گرفته است. آنچه را که معلم بگوید حقیقت مطلق است زیرا معلم نمره می‌دهد و سوزنویت قزاقی و مردودی شاکر را در دست دارد. آنچه را که رئیس می‌گوید امری غیر قابل اعتراض است زیرا سوزنویت نمره می‌دهد و منزل کارمند در دست رئیس است. که خدا و رعیت و ارباب و کارگر و کارفرما قاضی و شهم و پلیس و شاک و به همین ترتیب در هم

با توجه به چنین مسئله ای است کما بر مسئولیت عظیم روشنفکران واقعی ایران تاکید می‌کنیم.

تظاهرات دانشجویان پزشکی

دانشجویان پزشکی به همدردی با دوستان دانشجوی پزشکی خود که در سرکوی کوی دانشگاه به دست کاردها مسموم شده اند، روز شنبه بیستم خرداد در بیمارستان سینا اجتماع کردند و روز یکشنبه بیست و یکم در بیمارستان دارپوش کبیر جمع شدند. در ضمن چند سخنرانی پرشور به سرکوی بیمارستان آمد، مأمور امنیت بیمارستان به کامیونتهای پلیس و گارد دستور داد بیرون از محوطه بیمارستان موضع بگیرند.

روز دوشنبه بیست و دوم خرداد ماه پیش بی دلیل دانشریان ساکن کوی امیرآباد از چهارصد نفر از دانشجویان و پزشکان، و نظام پلیسی حکومت اعتراض کردند و بسا جوان به محوطه بیمارستان به لوی وارد پزشکیان و دانشجویان بیمارستان به لوی شدند و برای آنکه در نظم بیمارستان رکار بیماران اختلال ایجاد نشود، یکسر بسا امرو، تئاتر بیمارستان رفتند. این دانشجویان اعتراض همگانی بیماران و پزشکان به وجود آمد، مأمور امنیت بیمارستان به کامیونتهای پلیس و گارد دستور داد بیرون از محوطه بیمارستان موضع بگیرند.

چرا جوانان از کار قضاوت می‌گریزند؟

جوانان تحصیل کرده دست‌های همگاری با دادگستری وابسته نیروهای امنیتی می‌گیرند

۸۹ نفر از فارغ التحصیلان خترو پسر رشته قضائی دانشگاه حقوقی نامهای به دادستان کل و رئیس دیوانه کشور و سایر مقامات درجه اول قضائی نوشته اند و مفصلا حقایق تلخی را که قضای دادگستری و قوه قضائیه آلوده است برشمرده اند. انسان می نویسد آقای دادستان، قطعاً اختراع دارید که حدود چهارماه قبل ۱۷۵ نفر از فارغ التحصیلان رشته قضائی پس از گذراندن کتکور به استخدام وزارت دادگستری درآمدند تا برمسند قضا بشینند، ولی خیلی زود از فساد وعدم استقلال قوه قضائیه سرخوردند و به جز سه نفر که وابستگی هائی داشتند، بقیه کار خود را ترک کردند و نفرات آنرا کشتن با روشی کار خیا با نداد رجلوی وزارت دادگستری به ما مراجع اجرای دستکامانتظامی شدن در لیست قضاوت ترجیح داد بودند به دست چاق داران حکومت مسموم و مجروح می شوند. در کجای دنیا در کدام قانون و مذهب و مسلک فروختن کتاب حر است. ما می خواهیم از دادنه عقاید خود را ابراز داریم. ما حق آزادی بیان، قلم، مضامینات، اجتماعات، تظاهرات را می خواهیم. ما حق حیات می خواهیم. ما مجلس می خواهیم. ما دادگستری می خواهیم که قاضی و وکیل دست نشانده دستکامودلال مظلوم نباشد.

جناب دادستان ما فارغ التحصیلان حقوق قضائی و امضا کنندگان زیر مسئولیت نوشتن این اعلامیه می‌باشیم. فصل فارغ التحصیلان حقوق قضائی که در صورت وجود آزادی و فضای حیاتی مناسب هر یک می‌توانستند در راه خدمت به مردم وکیل شرافتمند یا قاضی دادگستری باشند نشان دهند. اینست که در رژیم ظلم و فساد حاکم بر ایران، قشرهای مختلف اجتماعی در زیر ضربات سرنیزه و حبس و زندان و تفتیش و تهدید، تا جهاندازه به جان آمدند و تبلیغات توخالی حکومت در باره مشارکت مردم در کارها چقدر روح است. در حالیه وزیر دادگستری و دادستان و رئیس دیوان عالی کشور به صورت مأمورین اجرائی نیروی انتظامی انجام وظیفه می‌کنند چگونه جوانان شریف از همکاری با دستکام می‌گریزند و در راه بعد ستاوردن آزادی و حکومت قانون از دادن جان خود دریغ ندارند.

فلسفه اهمیت آرف و افکار عمومی جهان

روزنامه معتبر فرانسوی "لوموند" در شماره بیستم ماه مه ۱۹۷۸ خود مقاله‌ای درباره "حاکمه آرف" رونمیکر معتبر شوروی نوشته و سرازان فمستی از سر مقاله "روزنامه" "ارمانیه" ارکان رسمی حزب کمونیست فرانسه را نقل کرده است که ترجمه آنرا می‌بینید:

حوادث آخرین جلسه دادگاه آرف

همسر آرف گفت: از روزی که خانه ما را زیر و رو کردند و ما را در هم شکستند، دیگر برای عدالت شوروی احترام قابل نیستیم. پس از اعلام رای دادگاه سیاهی لشکرها، محضر در محکمه تک‌زدند و بعضی از آنان فریاد کشیدند. بیشتر مجازات‌ها را گرفتند. دادگاه آرف فرایه جرم "ساختن و پخش مدارک بهتان آریزه رژیم سیاسی و اجتماعی شوروی به منظور تضعیف و از سر پاشیدن شوراهای" از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ محکوم کرد. و اضافه کرد که متهم به خوبی می‌داند که این "مدارک" می‌تواند در داخل کشور محکوم شود، مردم همسر را در خروج از دادگاه بائن استقبال کردند. وقتی "آرف" را به سوی اتوبوس پلیس میبردند، فریادهای "یورا، یورا" از دهان دوستانش برخاست و آرف دست خود را به علامت تشکر از آنان بلند کرد. سپس حدود صد نفر در محاصره پلیس خانم آرف را احاطه کردند و تا چند صد متر به سوی مرکز تجارتی شهر را می‌پاشی کردند. چنین تظاهراتی در مسکوی سابقه ندارد.

مسکور روز شنبه ۹ ماه مه در برابر دادگاه محکوم مسکوم و دادگزاران دادستان متهم همسراه ۳۰ خبرنگار روسی و جمعی از رهبران کنگره و جمع شد. دولت آرفی دادگاه بود. هیچ تشنجی شد ولی بعد از سه ساعت آرام بود. در مسکویه قدرت میتوان شاهد کتکوری معترضین و شورویهای متوجه بود. فریادهای میان روشنفکران و نمایندگان طبقات کارگر هم شنیده شد که ماست.

پس از آنکه آقای آرف به مدت سال زندان در اردوگاه کار اجباری و بی‌مسال تبعید در یک نقطه داخل کشور محکوم شد، مردم همسر را در خروج از دادگاه بائن استقبال کردند. وقتی "آرف" را به سوی اتوبوس پلیس میبردند، فریادهای "یورا، یورا" از دهان دوستانش برخاست و آرف دست خود را به علامت تشکر از آنان بلند کرد. سپس حدود صد نفر در محاصره پلیس خانم آرف را احاطه کردند و تا چند صد متر به سوی مرکز تجارتی شهر را می‌پاشی کردند. چنین تظاهراتی در مسکوی سابقه ندارد.

صبح پنجشنبه پلیس با ساخاروف و همسرش که قصد ورود به دادگاه را داشتند، کلاوز شد. ساخاروف بر آشفت و بصورت پلیس سیلی زد. وی و خانمش دستگیر و پس از چند ساعت آزاد شدند. پلیس تهدیدشان کرد که در مورد آنان دست به اقدامات اداری نخواهد زد. آنرا سراسر خبرگزاری رسمی شوروی آقای خانم ساخاروف را "واباشانی" میخوانند که به کارهای حرفه‌ای خود مشغولند.

درباره "سوا" استفاد از روانکاوی دستگیر شد ماست دومین نفر خانم تاتیانا اولیانووا نام دارد. جلسه دادگاه منبر از حادثه بود. وقتی آقای آرف و همسرش در محکوم نشست، یکی از سراننش فریاد زد، این تویی که در دادگاه فاتح شدی، امروز تمام دنیا این حقیقترا می‌دانند. هنگام قرائت رای دادگاه خانم آرف و همسرش به عنوان اعتراض از جا برخاستند. همسر آرف از سالن دادگاه اخراج شد و در نگهبان خانم آرف را مجبور کردند تا بایستد، ولی او اطاعت نکرد. عاقبت رای دادگاه با نشستن او موافقت کرد.

ارمانیه: مجازات غیر قابل تحمل برای یک جرم عقیدتی

رعنا ندر و سردبیر ارمانیه، ارکان رسمی حزب کمونیست فرانسه در سر مقاله خود می‌نویسد: "باید با تأسف اما با صداقت بگویم که چنین محکومیتی بی‌عدالتی است. قبولش مشکل است که ۶۰ سال پس از انقلاب استبر، رژیم شوروی پرونده سازی پیشه کند. بروفسور آرف گروه به ظاهر کوچکی را رهبری کرده است نه رسماً و ضمیمه نظارت بر اجرای موافقتنامه هلسینکی در مورد حقوق بشر را عهد بود. تا آنجا که می‌دانیم و با توجه به ابهام در اخبار رسمی شوروی فعالیت‌های او بیشتر در زمینه احترام سیاسی، انتقاد از کارهای فسادگسی و اداری انجام گرفته است. غیر موجه جاوه دادن این انتقادات کار درست نیست (۰۰۰)

به قطع و به یقین محکمه شوروی جرم عقیدتی را بصورت غیر قابل تحملی کیفر داد ماست. بدون شک بروفسور آرف با تمام نظرات هیئت حاکمه تاحان شو همزبانی نمی‌کند. اما آیا باید به این خاطر ۱۲ سال از عمر خود را از نعمت آزادی محروم شود؟ آیا آرف به عنوان یک شهروند این حق را ندارد که حتی با سیاست دولت خود مخالفت کند؟ یقیناً هیچکس نمی‌تواند مدعی باشد که هیچگاه اشتباه نمی‌کند و تاریخ اتحاد شوروی به تدنی این مساله را ثابت کرده است که آنچه یک روز حقیقت آشکار است می‌تواند فردا به اشتباه غم انگیزی بدل گردد. رای دادگاه آرف نه تنها غیر قابل قبول است بلکه در خدمت سوسیالیسم هم نخواهد بود. (۰۰۰)

رئیس دانشکده ای که با همسایگان خود...

یادادن اختیارات بیشتر به رؤسای دانشگاه ها از طرف دولت بعضی از آنان فرصت یافته اند که اهمیت جستمی خود را بهتر و بیشتر نشان دهند و بیست و هفت حرفه های صد دانشجوی زارد انجریان بهره دارند.

نیم سال در تحصیل دانشکده علم و صنعت را منحل کرد ماند. تراز شده است دانشجویان برای ترنابستانی نام

نویس کند روز ۲۱ خرداد مد دانشجویان برای نامه نویسی به دانشکده می رود. رئیس دانشکده از دانشجویان نقری صد تومان پول شیشه و ... می کند. دانشجویان اضطرار در دانشکده پول نقد آرم رئیس دانشکده جواب می دهند که و شلوار تار را بفروشد دانشجویان در محوطه دانشکده به تقاضای آرام و سکوت دست می زنند رئیس دانشکده به پلیس و آژانس تلفن می کند. در

حالی که سرهنگ شهرانی به دانشجویان می گفته است کسی حق ندارد از شما پول اضافه بگیرد. رئیس دانشکده می رود و پلیس را تحریک به سرکوبی دانشجویان می کند. دانشجویان را از دست پلیس می نجات می دهد و تمام می شود.

جاء ارد رئیس دانشگاه تهران و قائم مقام حزب واحد که در بنین کارهاست همواره پیشقدم است برای این قبیل رؤسای دانشکده ها نشان و مدال و دست سازمانی در حزب واحد دست می یابد.

جنایت روزفندان اصفهان

در ساعت ۷ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۵۷ عدای از زندانیان شرور و جانورکش زندان اصفهان طبق دستور و نشانی قبل مسئولین زندان با چاقو به دانشجویان زندانی و سایر زندانیان سیاسی حمله می کنند و ده ای از این بیگانهان را بندت محروم و محروک می نمایند و به قرار اطلاع دو نفر از این محرومین که نام یکی از آنها مرتضی بابائی است در اثر ضربات وارده فوت می نمایند.

از مدتی قبل زندانیان سیاسی نسبت به وضع غذا و بهداشت نامطلوب زندان مسئولین زندان اصفهان می کنند و مأموران زندان عدای از زندانیان شرور و جانورکش را برای انتقام جویی به بند زندانیان سیاسی منتقل می نمایند.

در اثر این جنایت وحشیانه زندانیان محروم از خوردن غذا و ملاقات با خویشان خود داری می نمایند و خانواده های زندانیان محروم به دادستان اصفهان شکایت کرده اند و روز چهارشنبه ۲۱ خرداد متجاوز از دو صد نفر از بانوان وابسته به زندانیان سیاسی در خیابان چهار باغ اصفهان به عنوان اعتراض رفتار وحشیانه مسئولین زندان دست به تظاهرات زدند. پلیس با خشونت بانوان را محروم کرده و در حدود صد نفر از آنها را بازداشت کرد. اعتصاب غذای زندانیان محروم همچنان ادامه دارد.

این جنایت فجیع و وحشیانه در مومنین صورت می گیرد که حکومت استبداد ایران با جعل اخبار دروغ و نشر اکاذیب خبیر از کسرت آزادی های سیاسی و آزادی اجتماعی می رود. اگر دستگیری از استقلال است و اگر زیر داد کسرتی در دست نشاندگان سازمان امنیت نیست. دادستان اصفهان باید به وظیفه فوری خود عمل کند و با توفیق فوری مسئولان زندان و محاکمه آنها و همچنین بهیچ وجه وضع و شرایط زندانیان سیاسی فقط به وظیفه ساده و معمولی یک دادستان

حجت الاسلام آقای حمید زاهد مدعی آزادی و شجاعتی که در روزاربعین شهادت شریز در مسجد آذربایجان...

حجت الاسلام آقای حمید زاهد مدعی آزادی و شجاعتی که در روزاربعین شهادت شریز در مسجد آذربایجان شهادت کرد مدتی است در تبعید است. مدعی آزادی و شجاعتی که در روزاربعین شهادت شریز در مسجد آذربایجان شهادت کرد مدتی است در تبعید است.

مدعی آزادی و شجاعتی که در روزاربعین شهادت شریز در مسجد آذربایجان شهادت کرد مدتی است در تبعید است.

حکومت آزادی کنر ایران که در بیشتر شهرهای ایران از استقبال و توجه مردم آزاد یخواه نسبت به آزاد یخواهان تبعید به وحشت افتاد است. است به دست عمال شهرستانی و امنیتی خود حلقه محاصره را تنگ کرده و خانه های تبعید یها را به صورت زندانهای مضع الملائات در آورده است. از جمله در ننده، خانقاهی که آقای حمید زاهد در آن مسکنی دارد بندینا زیر نظر مأموران است. ایشان را از هر تفریح محروم کرده اند و کسانی که به قصد ملاقات به منزل ایشان می روند، مأموران شهرستانی دستگیر و توقیف می کنند.

آیا رژیم ایران می تواند با دروهای شبانه روزی که درباره قضای بازواری به مردم می گویند برای تجارزهای اشکار به حقوق انسانی میرونی بگذارد؟ مردم را بفرید!

خود این کار را به انجام رسانیده و لی از مأموران سیا بود که موبوتو را ساخت برای رژیم رهبری درست کرد که حتی در ره افریقانیزد حرص و طمع و بی عرضگی ظالم شد.

کارشناسان برجسته آمریکا در سال ۱۹۷۵ جنیش میلای "آگوستینوتو" را بدی ترین ویر جاد بهترین جنبش برای نیروی کشور می دانستند. عناصر میانه رو نامی در لیبسون و حتی سرکسول ایالات حده در "لواندا" نیز همین عقیده را داشتند. "دیویس" معاون وزارت خارجه برینا در امور افریقا معتقد بود که بایستی حاد میان میلای، فنلا و اویتیا حمایت کرد.

قدمات این اتحاد فراهم بود، اما رهبر نلا به نام "هولدن روبرتو" با این اتحاد دیدار مخالفت کرد و این همان رهبر دم کشار از اقوام نزدیک موبوتو بود که به ناسیبت کشتار مکرر غیر نظامیان شهرت بد کرده بود.

بقیه از صفحه ۱

راشور کرد. جنگ بین از یک سال طول کشید و سرانجام با مداخله وسیع کوبائیا خاتمه یافت. تا اینجا مشاوران کوبائی در کنار "میلای" در آنکولا بودند و مشاوران آمریکائی در کنار "فنلا" و "اویتیا" اما در ازدهم سپتامبر ۱۹۷۵ موبوتو در کردن نیروی مسلح به آنکولا فرستاد تا از "فنلا" و "مزدوران" روبرتو حمایت کند و کوبو بعد یک هنگ زره پوش افریقائی جنون نیز به پشتیبانی از "اویتیا" علیه آنکولا وارد عمل شد. اگرچه مجموع این نیروها در جنگ به پیروزی رسیدند و ولی ترکیب آنها و پشتیبانی رژیم نژاد پرست افریقائی جنوبی از دشمنان میلاد و آنکولا چشم و گوش افریقائی را باز کرد.

در اوایل اکتبر ۱۹۷۵ یک گروه هدفمند نفری از سربازان کوبائی برای ایجاد تعادل وارد آنکولا شدند و پشت سر آنها هزاران نفر دیگر آمدند و کمکت شوروی به صورت قابل ملاحظه ای افزایش یافت.

افریقای جنوبی ها که در افریقا در حالت انزوا بودند، حرات ندا شدند دست به عملیات شدید بزنند، سیا نیز دچار همین وضعیت و درواشنگدن گرفتار حملات کتیره بود. در کتیره گفته می شد که میلیونها دلار لوازم و اسلحه به دست بدستان مورد حمایت آمریکا تلف شده است در دست مثل تجربه و بقتام.

در ماه فوریه ۱۹۷۶ یک تیم شد و اتحاد میلای و کوبا پیروز از آب درآمد. می توان گفت که کمینجر و سیا این پیروزی

اما قانون اتحاد مقدس ترین جنبش است چه در آمریکای لاتین باشد چه در آسیا یا افریقا، تقیبا جانی در جنبش نیست که دولت آمریکا به حمایت از وی

این آخرین بار نیز سپاهیان موبوتو کشتار و غارت وحشتناکی کردند. به هر حال نمی توان امید وار بود که پشتیبانی از کسی که نه تنها در "شیا" بلکه در سراسر رژیم مورد نفرت مردم است، برای فرانسه سود بخش باشد و نظر مردم را جلب اما قانون اتحاد مقدس ترین جنبش است چه در آمریکای لاتین باشد چه در آسیا یا افریقا، تقیبا جانی در جنبش نیست که دولت آمریکا به حمایت از وی

تقریباً بیست و هفت نفری ها یاد میانی نکند و چون برزیل و لیبزانی چون آندرویانک به این موبو و آن سو کشیده می شود.

در فرانسه ژسکار کستن و ریون بار نوع اول را ترجیح می دهند. در افریقا هر جا که جیبی کارتر نمی خواهد یا نمی تواند دخالت کند، آنها به میدان می روند و به سود رژیمهای فاسد یا دوستان افریقائی خود، این کار از طرف دوستانشان را حمایت می کند و از طرف دیگر به نفع بازهای شرکت های چند ملیتی است و خصوصاً در رژیم به نفع آلمان غربی و آقای اشمیت است که از طریق شرکت آلمانی "اوتران" بخشی از رژیم را برای آزمایشات موشکی از موبوتو اجاره کرده است. این سیاست، حکومت های پیشرو ملی افریقا و بخش مهمی از برگریدگان افریقائی را علیه غرب برمی انگیزد. اگر نخواهیم آنها را به سوی شوروی برانیم کافی است که همین راه را ادامه دهیم. مترنج های ما از سر نوشت کوبا، آنکولا و موزامبیک سرشنس نگرفتند. آنها چون سلف نامدار خوش همیشه بدترین راه را انتخاب می کنند، چون آسانترین راه است.

خبر ختانه رفتار شوروی نسبت به سایر کشورها از اخلی خود و نسبت به سایر کشورها از بیسیلیستی، خصوصاً در افریقا جنبش ارتقیر، میان جناح پیشرو شکاف انداخته است.

اما اشتباهات شوروی به هیچ وجه تشکار اتحاد مقدس سرمایه داری را توجیه نمی کند.

بقیه از صفحه ۱

تعطیل

۲۷

خرداد

و

یاد بود

دکتر

شریعتی



از روز شانزدهم بازارگانان و کسبه را دسته دسته به بازجویی اختصار می کنند . به سرهنگی که رئیس اطاق اصناف است (چون تهران و سایر شهرها) دستور می دهند اصناف را هرچه بیشتر تحت فشار قرار دهد . طبق اعلانی که خودشان کرده اند پروانه کسب ۳۸ نفر از کسبه و بازارگانان از آزادی خواه را لغو می کنند . جمعی را تحویل زندان می دهند و سه تن از روحانیون را توقیف می کنند . شهر از جا حرکت می کند . طلاب آزادی خواه در رس را تعطیل می کنند و به خانه حضرت ایتاله شیرازی می روند . استانداری که هوا را پس می بیند ، عقب نشینی می کند . دستور می دهد از آقایان توقیف شده رفع مزاحمت شود .

۲۸ و ۲۹ خرداد

روز دوشنبه بیست و هشتم خرداد ماه به مناسبت چهارمین روز حمله و وحشیانه به تم و کشتار دسته جمعی و کشتار در منزل مراجع تقلید بازارهای مشهد نیز چون سایر شهرهای ایران تعطیل بود . روز بیست و نهم که روز یاد بود سائنگست روان شاد دکتر علی شریعتی است دستگاه های انتظامی مساجد شهر را متخیر کردند و اجازه ندادند مراسم یاد بود در مسجد انجام شود .

از ظهر آن روز تمام کوی جمعاً و خیابانها که به منزل استاد محمد تقی شریعتی بدر رو نشاند دکتر علی شریعتی منتفی می شود تحت مراقبت پلیس و جماعت داران اونیفرم پوش و سرایان مسلسل به دست

پروانه ۳۸ واحد صنفی مشهد بطور موقت لغو شد

طریق است که واحدهای صنفی مذکور در شهر مشهد به نعلیل واحد خود اقدام کرده بودند . اساساً مفاد ماده ۳۷ قانون نظام صنفی که ذیلاً باطالع میرسد پروانه کسب آنها بطور موقت لغو شد .

ماده ۳۷ قانون نظام صنفی

پروانه کسب واحدهای صنفی در مورد زیر بطور موقت با دائم لغو میگردد .

- ۱ - تعطیل محل کسب زائد بر مدت یا در غیره بعد مقرر
- ۲ - اختلال تغذیه یا مسائل دیگری در محل کسب غیر از آنچه که در پروانه قید گردیده
- ۳ - عدم پرداخت حق عضویت یا سایر موقوفه - عدم پرداخت عوارض شهرداری مربوطه
- کسب - عدم اجرای دستور اجرائیه به تشخیص آنان

رئیس اتاق اصناف مشهد سرهنگ اسدیان

حالی که نوبت از اسبها به کمک می رفتند خبرنگار ما شنید که فرمانده نیروهای باقیمانده در اطراف خانه دستور داد اسلحه ها را آماده کند و بعد فورا کسبها را این ها سرور صد ا کردند . یک نفر را زنده نباید بگذارند ، و خود بیست و سرکوبی مردمی که در میدان قیاسی بودند رفت . مردم تا ساعت ۹ شب از منزل استیفا خارج شدند و در مجلس دیگر که آخر شب تشکیل شده بود حاجت الاسلام غفاری بیانات شیوایی کردند .

در دانشگاه فردوسی

خبر انفجار در دانشگاه علم مشهد را روزنامه های دوشنبه نوشتند که بمبوسله ۱۵ نفر نقابدار در صبحگاه ۲۸ خرداد انجام شده است . خبرنگاران ما در مشهد از وجود دو اتومبیل بیگان کموتور سواران را همراهی می کردند خبردار شده اند . با اینکه یک بیانیه خطی در این باره در مشهد منتشر شده است هنوز نحوه عمل مشکوک است . امیدواریم تا شماره آینده خبرنگار ما با تحقیق کافی در این مورد خبر دهد .

بود . محله را محاصره کرده بودند . اما تا ساعت چهار و پنج بعد از ظهر هزاران نفر از مردم و جوانان و روحانیون آزادی خواه صفحاً محاصره را شکستند و خود را به خانه استاد رسانیدند . مجلسی یاد بود با شکره فراوان برگزار شد . از جمله دکتر پیمان سخنران مجلس بود و قدوسی شاعر توانا و آزادی خواه که تازگی از سه سال و نیم زندان و شکنجه خلاص شد . است شعری شیوا در رثای دکتر شریعتی خواند و در آخر مجلس استاد شریعتی با بیان مژنه خود از جمعیت تشکر کردند و از آنها خواستند که در هنگام متفرق شدن بهانه به دست ما برانند . مردم با آرای متفرق شدند ولی ما بران و جماعت داران که دنبال بهانه می گشتند جمعی نزدیک به دو هزار نفر را گنه از خیابان به میدان دقیقی رسانیدند . مورد حمله قرار دادند . هنوز بیش از پانصد نفری از منزل استاد خارج نشده بودند که خیر حلقه مردم به خانه رسید . ما بران با بیسیم از نیروهائی که در اطراف منزل استاد بودند کمک خواستند ، در

کنفرانس پاریس و پایمال شدن حقوق بشر در ایران

کنفرانس پاریس از دستاوردهای چشمگیر "کمیته" دفاع و پیشبرد حقوق بشر در ایران بود

سیاسی حکومت را تشریح کرد . ژان پل سارتر در بیانی که توسط پروفیسور ولادیمیر یانگلوچ خوانده شد بر وخامت حوادث غم انگیزی که در ایران جریان دارد تاکید کرد .

سیر نامعای تکان دهنده از بهر جز حقی زندانی زندان تبریز که هفت سال در زندانهای مختلف زیر شکنجه با مرگ دست و پنجه نرم کرده است خوانده شد که کنفرانس را تحت تاثیر گرفته . حقی ضمن تشریح شکنجه ها و اوضاع وحشتناک زندانها افکار عمومی جهان را به یاری طلبیده است که با اعتراض وسیع خود حکومت ایران را وادار به رعایت حقوق بشر کنند . در یک نامه دیگر ۲۲ زندانی تبریز که به کیفرهای سنگین محکوم شده اند اعلام کرده بودند برای وادار کردن حکومت به برآوردن خواسته های قانونیشان از تاریخ ۲۴ ماه به اعتصاب غذا کردند .

سایر شرکت کنندگان در کنفرانس خبرهای دیگری در اختیار کنفرانس گذاشتند که چکیده آن به عنوان اطلاعاتی بین المللی حقوق بشر به مطبوعات داده شد . در این اطلاعیه از قیامهای بی دربی و جعل روز یکبار مردم ایران و شدت عمل وحشیانه حکومت در سرکوبی مردم سخن رفته بود و اینکه سرکوبی بی رحمانه حکومت نتوانسته است طابع از حرکت مردم در راه به دست آوردن آزادیهای پایمال شده مصحح در قانون اساسی و حقوق بشر شود .

در پایان نمایندگان حزب سوسیالیست و حزب کمونیست فرانسه هر یک با قرائت پیام حزب خود خواستار آزادی برای مردم ایران شدند و افکار عمومی جهان را به پشتیبانی از خواسته های مردم ایران و حمایت از حقوق بشر فرا خواندند .

صبح پنجشنبه ۲۵ ماه به دعوت اتحادیه هواداران حقوق بشر و شهروندان یک کنفرانس مطبوعاتی با شرکت فدراسیون جهانی حقوق بشر ، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران به ریاست ژان پل سارتر و کمیته دفاع و پیشبرد حقوق بشر در ایران به ریاست آقای هانری نوگور رئیس اتحادیه حقوق بشر برگزار شد . در این کنفرانس چهار پیام از ایران قرائت شد .

۱- پیام دکتر سنجابی وزیر حکومت دکتر مصدق و عضو هیئت اجرائیه کمیته دفاع از حقوق بشر ایران حاکی از این بود که : " اوضاع ایران تقاضای نکرد ماست . حکومت به ظواهر آزادیهایی داده است ولی اعمال خشونت ادامه دارد . " دکتر بختیار از طرف شورای جبهه ملی چنین پیام داد : " ما به این نتیجه رسیدیم که نیروهای مرفقی رژیم را مجبور خواهند کرد که به قانون و اصل مقام انسانی احترام بگذارند . " پیام کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران چنین بود : " به موازات گسترش اعتراض عمومی و یکپارچه مردم بر ضد دیکتاتوری ، اقدامات سرکوب کننده حکومت شدیدتر می شود . حکومت ایران اعتراض وسیع مردم را نادیده می انگارد و حاضر نیست آزادیهای مصحح در قانون اساسی را محترم شمارد . زندانیان پر شده است و زندانیان در خطر مرگند . کتک زندانیان و سوء قصد ما بران علیه مخالفین ادامه دارد . پس از قیام تبریز بیش از هفتصد نفر در آن شهر بازداشت شده اند . در هر شهر نیز صد ها تن بازداشت و یا تبعید شده اند . "

دکتر لاهیجی از طرف وکلای دادگستری ایران که اخیراً در خیابان به دست ما مورین سارا ک مجروح و مذبذب شده است ، طی پیامی رفتار وحشیانه حکومت و محیط نا امن برای مخالفان

